

راهکارهای مقابله با تبعات امنیتی قاچاق کالا در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی

یاور دشتبانی^۱

امیرحسین محمدکریمی یزدی^۲

سعید لاریجانی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۳

چکیده

قاچاق کالا در ایران از حجم و گستره بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که بسیاری از مناطق کشور را در بر گرفته و آثار سوئی بر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارد. در گسترش آن عوامل متعددی دخالت دارند که شناخت آنها می‌تواند در واپایش (کنترل) و جلوگیری از این پدیده مؤثر باشد. به منظور پاسخ به سؤال اصلی تحقیق (عوامل مؤثر بر قاچاق کالا در ایران کدامند و چه تأثیری بر عدم تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارد؟) از طریق بررسی مبانی نظری و مطالعات پیشین، ۳۰ عامل اثرگذار بر پدیده قاچاق کالا که مانع از تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نیز می‌شوند، شناسایی شد و پس از تحلیل عاملی اکتشافی، ۱۲ عامل اثرگذار شناسایی شده و در قالب سه دسته «اقتصادی»، «سیاسی - امنیتی» و «اجتماعی - فرهنگی» طبقه‌بندی شدند. سپس عوامل بالا از طریق روش تحلیل سلسله مراتبی با مقایسه زوجی رتبه‌بندی شدند. پنج عامل مهم که به ترتیب بالاترین رتبه‌ها را کسب کردند، عبارت است از: «تعرفه بالای گمرکی»، «بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی»، «خطرپذیری پایین قاچاق»، «مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی» و «یارانه».

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، امنیت مرزها، تحلیل اکتشافی، قاچاق کالا.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم اقتصادی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (Yavar_dashtbany@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه تهران (karimiahmad28@yahoo.com)

۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه صنعتی شریف (Larijani.saeed@gmail.com)

مقدمه

یافته‌های علمی انتظامی نشان می‌دهد یکی از عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت هر کشوری «پدیده قاچاق» است. «قاچاق» عملی خلاف شرع محسوب می‌شود که به اقتصاد، هویت ملی و برنامه‌ریزی هر کشوری آسیب جدی وارد می‌کند و عدم مقابله با آن زمینه‌ساز تضعیف تولید داخلی و ترویج اشتغال ناسالم خواهد بود. مقایسه میزان سرمایه‌گذاری، پیشرفت صنایع و فناوری شرکت‌های فراملیتی با کشورهای در حال توسعه، مبین این واقعیت است که کشورهایی مانند ج.ا.ایران، در کارزار نابرابر قادر به رقابت نیستند؛ بنابراین صنایع به‌نوعی حمایت و پشتیبانی دولتی نیاز دارند. یکی از ابزارهای مؤثر و نافذ خود استعماری، تجارت غیرقانونی کالا و خدمات است که توان دور زدن و فرار از همه موانع، مانند حفاظت فیزیکی مرزها، قوانین و مقررات بازدارنده، تعرفه‌های ورود کالا و ... را دارا است. (شادنیا، ۱۳۸۴) از این‌رو، این پدیده مجرمانه از پیچیدگی، تنوع و گستردگی برخوردار است.

لازمه موفقیت در اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت و برنامه اقتصاد مقاومتی، ایجاد زمینه و فضای مطلوب است؛ ولی منافع سیاسی، اقتصادی و همچنین نواستعماری دولت‌های بزرگ صنعتی یا شرکت‌های چندملیتی، تنوع‌طلبی در مصرف انواع کالا و سودجویی و فرصت‌طلبی برخی نقدینه داران داخلی، مشکلی پیچیده و چندبعدی به نام «قاچاق» را به وجود می‌آورد که ریشه‌های آن در هر دو حوزه ملی و بین‌المللی نهفته و در صورت گسترش، به یک «شبیخون اقتصادی» تبدیل شده و می‌تواند ارزش‌های حاکم بر جامعه را به نابودی کشاند. بنابراین، مبارزه منطقی و هدفمند با این پدیده مجرمانه در راستای استقرار و حفظ امنیت در کشور و مکمل اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت و در نهایت ارزش‌های حاکم بر جامعه است.

۱. کلیات

تحقیق حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی با روش پیمایشی است. زیرا هدف از انجام این نوع پژوهش توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. به عبارت دیگر، پژوهشگر سعی می‌کند در این تحقیق آنچه را که هست، بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد. با توجه به ویژگی‌های موضوع مورد مطالعه و همچنین تنوع مفاهیم و متغیرهای به‌کارگرفته شده، به‌لحاظ مفهومی از مطالعه اسنادی و از لحاظ تجربی (برای بررسی متغیرها) از روش پیمایشی استفاده شده است. برای به‌دست آوردن متغیرها، نخست با مطالعات وسیع در ادبیات موضوع و گردآوری از طریق فیش‌های تحقیقاتی، به شناسایی عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا که موجب عدم تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شوند، پرداخته شد. به عبارت دیگر، عوامل سی‌گانه مؤثر بر پدیده قاچاق، با بررسی منابع تحقیق اعم از مقاله‌های علمی و کتاب‌های مرتبط و سپس از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران این حوزه شناسایی شده‌اند. بر اساس پژوهش‌های پیشین، سی عامل از بیشترین تأکید و فراوانی برخوردار بودند. هر یک از عوامل ۳۰ گانه در یک پرسشنامه ۵ گزینه‌ای بر پایه طیف لیکرت گنجانیده شده و از پاسخگویان خواسته شد تا با توجه به شدت تأثیر هر یک از عوامل بر قاچاق کالا در ایران و تأثیر آن بر عدم تحقق اقتصاد مقاومتی، گزینه‌ای را انتخاب کنند. سپس از میان ۳۰ عامل مؤثر در قاچاق کالا که موجب عدم تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شوند، عواملی که از نظر پاسخگویان مهم‌تر شناسایی شدند، به‌صورت مقایسه زوجی در قالب پرسشنامه دیگر، در اختیار چند خبره در جامعه آماری پژوهش قرار داده شد.

(۱) جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری به مجموعه واحدهای تحلیل گفته می‌شود که پژوهشگر در طرح تحقیق به‌دنبال گردآوری اطلاعات از آنها بوده تا نتایج تحقیق را به آن جامعه تعمیم دهد. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه علمی و اجرایی است:

۱) **گروه اجرایی:** کارکنان شاغل در پلیس مبارزه با قاچاق کالا و همچنین سایر کارکنانی که در ۱۰ سال گذشته سابقه خدمت در بخش مبارزه با قاچاق کالا داشته‌اند.

۲) **گروه علمی:** نخبگان و استادان اقتصاد که از مراکز علمی در دسترس شناسایی شدند.

پس از جستجو در این دو گروه، فهرستی ۶۰ نفره از عوامل اجرایی و علمی در شهر یزد انتخاب شدند. در این پژوهش افرادی برای نمونه انتخاب شدند که برای ارائه اطلاعات مورد نیاز در بهترین موقعیت قرار دارند؛ بنابراین چنین شکلی از نمونه‌گیری با عنوان «نمونه‌گیری هدفمند» از نوع قضاوتی شهرت دارد.

(۲) بیان مسئله و اهمیت موضوع

پدیده قاچاق از عوامل تهدیدکننده نظم و امنیت در جامعه قلمداد می‌شود. قاچاق با تهدید امنیت اقتصادی و تأثیر بر مؤلفه‌های اجتماعی، ایجاد فرصت‌های کاذب کسب درآمد و تهییج جوانان برای دستیابی به ثروت‌های بادآورده و بدون رنج، گاهی تحریک مجرمان در به‌کارگیری روش‌های مسلحانه و خشن در ارتکاب قاچاق، موجبات تهدید امنیت جامعه را فراهم می‌سازد. قاچاق در دو مقوله مواد مخدر و کالا در کشور بروز و ظهور یافته که با توجه به وظیفه محول شده به پلیس آگاهی، رسیدگی و مبارزه با قاچاق کالا در حیطه وظایف آن قرار می‌گیرد. (بیابانی و باباپور، ۱۳۹۰)

آمار و ارقام تقریبی واردات و صادرات غیرقانونی نشان می‌دهد که مبارزه با پدیده قاچاق کالا و ارز در هیچ دولتی موفق نبوده است. حجم قاچاق کالا و ارز در سال ۱۳۹۴ بر اساس اعلام ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز حدود ۲۷ میلیارد دلار برآورد شده که حجم کل صادرات و واردات کشور حدود ۸۸ میلیارد دلار بوده است. به این معنا که سهم قاچاق در اقتصاد کشور ۳۰ درصد است. ارائه چنین آمار بالا و تأسف‌برانگیزی، نشان می‌دهد که هنوز هیچ دولتی نتوانسته به‌صورت جدی راه‌های این سوءاستفاده را ببندد. همین امر باعث می‌شود تا در صورت ادامه این روند، اقتصاد مقاومتی به‌چالش کشیده شده و دیرتر تحقق یابد.

رشد پدیده قاچاق باعث می‌شود تا فرصت‌های شغلی جدید در کشور به وجود نیاید و حتی تهدیدی برای شغل‌های موجود باشد؛ زیرا قیمت کالای قاچاق به دلیل نپرداختن حقوق دولتی، بسیار ارزان‌تر از کالای تولید داخل تمام می‌شود و همین امر می‌تواند چالشی بزرگی برای تولید کشور محسوب شود. از این رو، از هر دریچه‌ای (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و ...) به موضوع رشد قاچاق نگاه شود، در تعارض با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی خواهد بود. (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۳۹۵: ۲۲)

پدیده قاچاق کالا در ج.ا.ایران، افزون بر آثار سوء اقتصادی و اجتماعی، به‌عنوان چالشی امنیتی حائز اهمیت است. امروزه این پدیده به‌عنوان تهدیدی جدی بر سر راه تجارت آزاد محسوب می‌شود و هزینه‌های زیادی نیز بر بدنه اقتصادی کشور تحمیل نموده است. قاچاق کالا از یکسو درآمدهای گمرکی و مالیاتی دولت را کاهش می‌دهد و از طرفی سبب خروج بی حاصل ارز، فرار گسترده سرمایه، افزایش بیکاری، کاهش تولیدات صنعتی داخلی و ... می‌گردد.

در اقتصاد سالم، تمامی فعالیت‌های اقتصادی ثبت و ضبط می‌شود، اما دسته‌ای از فعالان اقتصادی مایل به چنین امری نیستند و این امر در شکل‌گیری «اقتصاد زیرزمینی» یا «اقتصاد سیاه» تأثیر به‌سزایی دارد.

پدیده قاچاق کالا، نظام اطلاعات اقتصادی کشور را مختل ساخته، تصمیم‌گیری اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد و از این طریق، سیاست‌گذاری‌ها کارایی خود را از دست خواهند داد. قاچاق کالا و ارز همواره بیش از مبادلات قانونی است و در عمل عنان بازارهای ایران به‌ویژه در صنایع دارای فناوری بالا (که محصولات کم‌حجم اما گران قیمت و پرتقاضا دارند)، در اختیار افراد و گروه‌هایی است که نه تنها نقشی در رشد شاخص‌های اقتصادی ندارند، بلکه مهم‌ترین عوامل سقوط و انحطاط اقتصادی و اجتماعی هر کشوری محسوب می‌شوند. اما آنچه مسلم می‌باشد، آسیب‌های جدی است که اقتصاد کشور از قاچاق کالا متحمل می‌شود؛ همچنین قاچاق کالا ضمن خدشه‌دار کردن اهداف اقتصاد مقاومتی، موجب از بین رفتن آثار سیاست‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای دولت می‌گردد؛

ضمن آنکه عدم پرداخت حقوق دولت از سوی قاچاقچیان، موجب کاهش سرمایه‌گذاری در صنایع، کاهش حجم فعالیت‌های تولیدی در داخل کشور و در نتیجه کاهش اشتغال می‌شود و با توجه به آنکه صنایع تولید داخلی مجبورند پایین‌تر از ظرفیت خود فعالیت کنند، در نتیجه قیمت تمام شده تولیدات بالا رفته و منجر به افزایش تورم در داخل کشور می‌شود. با توجه به اینکه قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای چندوجهی محسوب می‌شود، بنابراین عوامل متعددی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در شکل‌گیری آن نقش دارند که شناسایی این عوامل به ارائه راهکار مناسب برای برخورد با این پدیده شوم اقتصادی و اجتماعی یاری می‌رساند. (گزارش کمیته الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۳)

این پژوهش با هدف شناسایی و رتبه‌بندی عوامل شکل‌گیری پدیده قاچاق کالا، در پی ارائه راهکارهای سازنده به منظور کاهش پیامدهای امنیتی آن در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی است. با توجه به اینکه سال ۱۳۹۵ به نام «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» نامگذاری گردیده، انجام این گونه پژوهش‌ها از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. یافته‌های پژوهش می‌تواند مسئولان و سیاستگذاران ناجا و سازمان‌های دست‌اندرکار را نسبت به عوامل مؤثر بر کشف قاچاق کالا آگاه ساخته، تا بتوانند در خصوص رفع کاستی‌ها، اقدام‌های مؤثری انجام دهند.

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

اقتصاد مقاومتی تنها به مفهوم استقامت و پایداری و تحمل ضربات اقتصادی دشمن نیست، بلکه اتخاذ رویکردها و طرح‌ریزی آن نوع از ساختار اقتصادی است که امید به نتیجه‌گیری از هرگونه طرح آسیب‌رسان به اقتصاد را از دشمن بگیرد. اقتصاد مقاومتی طرحی آنی و مقطعی نیست، بلکه برنامه‌ای درازمدت برای اقتصاد کشور است که اقتصاد مملکت را از حالت وابسته، تک‌محصولی و مصرف‌زده رها ساخته و به اقتصادی مستقل، متعادل، صرفه‌جویانه و ضربه‌ناپذیر مبدل می‌سازد. اقتصاد مقاومتی رویکردی پیشگیرانه دارد تا تدافعی؛ پیشگیری از هر آنچه احتمال می‌رود از طریق آن، دشمن اقتصاد را مورد حمله قرار دهد و نتیجه بگیرد.

بسیاری از ویژگی‌هایی که در خلال سالیان متمادی در ساختار تولید، سازمان توزیع و الگوهای مصرفی جامعه شکل گرفته، امروز به صورت نقاط ضعف و درجه‌های امید دشمن در تهاجم اقتصادی درآمده‌اند. پدیده قاجاق (به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم) در پاره‌ای از این زمینه‌ها دخالت داشته است. در پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کمی در پژوهش‌های علمی، به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار بر گسترش پدیده قاجاق کالا پرداخته می‌شود که بر تحقق اقتصاد مقاومتی اثری معکوس دارند.

(۱) بررسی پدیده قاجاق کالا

به موازات رشد مطالعات تجربی در زمینه تجارت غیرقانونی، پدیده قاجاق در خلال سال‌های دهه ۱۹۶۰ و پس از آن، مورد توجه نظریه‌پردازان حوزه تجارت بین‌الملل قرار گرفت. «بهاگواتی و هانسن»^۱ (۱۹۷۳) اولین دیدگاه نظری در مورد قاجاق را مطرح کردند. آنها آثار رفاهی قاجاق را بررسی کرده که نتایج آن در سال‌های بعد، بحث پدیده‌های را میان نظریه‌پردازان تجارت بین‌الملل به وجود آورد. بررسی پژوهشگران نشان می‌دهد عوامل و شرایط محیطی نیز در شکل‌گیری فرصت‌های سودجویانه مانند تجارت غیرقانونی اثر دارند. در این ارتباط به مطالعه «جانسن، مافمن و لباتن» می‌توان اشاره کرد. (بهاگواتی، ۱۹۹۴)

بهاگواتی و هانسن محدودیت‌های تجاری مانند نرخ تعرفه را به عنوان علت ایجاد گسترش فعالیت‌های غیرقانونی قاجاق کالا معرفی کردند که این مسئله در سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ از سوی «نورتن»^۲ در چارچوب تحلیلی جداگانه مورد تأکید قرار گرفته است. نورتن در الگوی نظری خود به شناسایی عوامل مؤثر بر قاجاق می‌پردازد. پیش از این «دربوش»^۳ نیز تغییرات مابه‌التفاوت نرخ ارز در بازار سیاه و رسمی را به عنوان عامل مؤثر در شکل‌گیری بازار غیررسمی قاجاق معرفی می‌کند. با آنکه مطالعات پراکنده‌ای توسط نظریه‌پردازان تجارت بین‌الملل انجام شده، اما مباحث طرح شده از انسجام و روند تکاملی

1. Bhagwati & Hansen

2. Norton

3. Dornbush

برخوردار نبوده و بیشتر به صورت موردی انجام گرفته است. «تنزی»^۱ (۱۹۸۰) مالیات‌ها و محدودیت‌ها را دو عامل اصلی ایجاد اقتصاد زیرزمینی می‌داند و بر تأثیر وضع مالیات‌های خاص در هر کشور مانند «مالیات بر درآمد در آمریکا»، «مالیات بر تأمین اجتماعی در اروپا»، «مالیات بر تجارت خارجی در کشورهای در حال توسعه» تأکید می‌کند. «فری و هانمان»^۲ (۱۹۸۴) بار تحمیل شده توسط بخش دولتی بر افراد شامل بار مالیاتی و بار قانونگذاری یا اعمال محدودیت‌های قانونی، بیکاری و سطح توسعه یافتگی پایین‌تر را به‌عنوان عوامل پیدایش این معضل مطرح کرده و به این فهرست، بداخلاقی مالیاتی را نیز می‌افزاید و در مورد کشورهای صنعتی به آزمون می‌گذارد. (پژوهیان و مداح، ۱۳۸۵)

«درا سک و گیلز»^۳ (۱۹۹۹) علل عمده پیدایش فعالیت‌های زیرزمینی را بار مالیاتی بالا، تورم، اثر نرخ مالیات و منع مقررات (تصویب و اجرای محدودیت‌های قانونی)، درآمدهای قابل تصرف واقعی و کاهش استانداردهای اخلاقی عنوان می‌کنند. «اشنایدر و انست»^۴ (۲۰۰۰) در بررسی عوامل مؤثر بر اقتصاد سایه‌ای در ۱۸ کشور صنعتی غربی، به بار مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم و مقررات دولتی به‌عنوان علل اقتصادی اشاره می‌کند. آنها در مرور ادبیات موضوع، عوامل مؤثر بر اقتصاد سایه‌ای را شامل بار مالیاتی، بار تأمین اجتماعی، شدت و اجرای مقررات، انتقالات اجتماعی (مانند حمایت‌های درآمدی، بیمه بیکاری و ...) عوامل بازار کار (مانند کاهش در ساعات کار، نرخ بیکاری) و عوامل مربوط به بخش دولتی (مانند کارایی دولت، دیوان‌سالاری، فساد و ...) عنوان می‌کنند. «آن و دلاریکا»^۵ (۱۹۹۷) بر تأثیر نرخ بیکاری بالا در گسترش اقتصاد زیرزمینی تأکید می‌ورزند و معتقدند این عامل بر تصمیم فرد در انتخاب بین کار در بخش رسمی و کار در بخش غیررسمی، اثرگذار بوده و او را به کار زیرزمینی سوق می‌دهد. «بهاگواتی و هانسن» (۱۹۷۳) استدلال کردند که قاچاق کالا، رفاه را افزایش نمی‌دهد و تنها در چارچوب شرایطی خاص، شاهد

-
1. Tenzi
 2. Frey & Hanneman
 3. Draeseke, R., & Giles
 4. Schneider, F., & Enste, D.
 5. Ahn & Dela rica

بهبود رفاه، با وجود قاچاق در اقتصاد خواهیم بود؛ اما «دیردورف»^۱ با توجه به شرایط حاکم بر کشورهای آفریقایی، حضور قاچاق را موجب بهبود رفاه دانسته است. (خلعبری، ۱۳۶۹)

در سال‌های اخیر، پژوهش‌های داخلی نیز توجه خود را به پدیده قاچاق معطوف ساخته‌اند. پژوهشی با عنوان «بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیک مرز ارومیه بر قاچاق کالا» انجام شده که اهداف این پژوهش، شناخت عوامل ژئوپلیتیک مرز ارومیه با کشور ترکیه، بررسی نقش عوامل ژئوپلیتیکی یادشده در قاچاق کالا و ارائه راهکارهای مطلوب انتظامی در مقابله با قاچاق کالا است. (عیسی‌خانی و شاه‌قلعه، ۱۳۹۱) «حاتمی» (۱۳۸۳) پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد فرماندهی انتظامی استان بوشهر در کنترل ورود کالای قاچاق» انجام داده که اهداف این تحقیق شناسایی چگونگی عملکرد فرماندهی انتظامی استان بوشهر در جلوگیری از ورود کالای قاچاق، شناسایی راهکارهای مناسب برای واپایش (کنترل) ورود کالای قاچاق و بررسی روش‌های موجود در مقابله با ورود کالاهای قاچاق بوده است. «احراری» (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر در کنترل قاچاق کالا توسط ناجا: از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴» به شناسایی عوامل مؤثر در واپایش قاچاق کالا و تبیین و مشخص کردن نیازمندی‌های نیروی انتظامی پرداخته و بر اساس یافته‌های تحقیق مشخص نموده: میان ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی مردم، ایجاد اشتغال، ایجاد امکانات و تجهیزات سازمانی و آموزش و ایجاد انگیزه در کارکنان، رابطه معناداری وجود دارد.

«معظمی» (۱۳۸۶) به «بررسی نقش فناوری اطلاعات در کشف کالای قاچاق با رویکرد پلیسی» پرداخت. در این پژوهش، کارکردهای فناوری اطلاعات در کشف کالای قاچاق شناسایی شده، سپس فناوری‌های اطلاعاتی مرتبط معرفی گردیده و تلاش برای تغییر شیوه‌های کشف کالای قاچاق با استفاده از فناوری اطلاعات پیشنهاد شده است. «خاشی» (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی شیوه‌های قاچاق کالا از مبادی رسمی استان سیستان و بلوچستان»، به شناخت روش‌های قاچاق کالا از گمرکات استان پرداخته است. سپس میزان حمل و نقل داخلی و خارجی در امر قاچاق کالا از مبادی رسمی در استان سیستان و

بلوچستان بررسی شده و در نهایت میزان تأثیر سوء استفاده از مقررات و بخشنامه‌های گمرکی در قاچاق کالا و تأثیر عملکرد عوامل اجرایی در این مبادی مورد بررسی قرار گرفته است. در پژوهشی دیگر نیز «محدودیت‌های انتظامی در کشف کالای قاچاق در شهرستان مرزی پیرانشهر» مورد کنکاش قرار گرفته (نصراللهی، ۱۳۸۸) که یافته‌های آن نشان می‌دهد: میان محدودیت‌های انتظامی و موقعیت جغرافیایی پیرانشهر و افراد متخصص و مجرب در امور انتظامی، ایجاد امکانات و تجهیزات پلیسی پیشرفته و حمایت قضایی از کارکنان کشف کالای قاچاق، رابطه معناداری وجود دارد. «وطن‌پور» (۱۳۸۸) «قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران با تأکید بر نقش نیروی انتظامی در مبارزه با آن» را بررسی کرده است. هدف این پژوهش، تلاش برای شناسایی و تبیین تهدیدهایی است که از ناحیه قاچاق کالای وارداتی، متوجه کشور گردیده و امنیت ملی آن را متأثر می‌سازد.

(۲) اقتصاد مقاومتی

با توجه به شرایط پیش روی کشور و شدت یافتن تحریم‌های اقتصادی در سال‌های گذشته، مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) با نگاه دقیق و ظریف خود در پیام‌های نوروزی سال‌های اخیر، به این عوامل توجه وافری داشته‌اند. «اقتصاد مقاومتی» نیز تعبیری است که ایشان برای اولین بار در دیدار کارآفرینان در سال ۱۳۸۹ مطرح فرمودند. اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم‌سازی، بحران‌زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می‌شود که بی‌شک باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی، الگوی عملی متناسب با نیازهای کشور، متکی به امکانات کشور (درون‌زا)، متعامل با اقتصادهای جهانی (برون‌گرا)، اقتصادی مردمی (مردم‌بنیاد)، اقتصادی بر پایه دانش (دانش‌بنیان)، مبتنی بر تولید ثروت و افزایش ثروت ملی (عدالت‌محور) و همیشه بارور است. اقتصاد مقاومتی دارای انواعی همچون اقتصاد موازی، اقتصاد ترمیمی، اقتصاد دفاعی و اقتصاد الگو است. محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی نیز شامل حمایت از تولید ملی، سیاست‌های اصل

۴۴ قانون اساسی، توجه به نخبگان و استفاده از فناوری‌های نوین می‌گردد. پدیده قاچاق کالا و ارز به‌عنوان یکی از آفت‌های بزرگ اقتصاد ملی و اقتصاد مقاومتی به‌حساب می‌آید که تیر آن به قلب تولید و اشتغال اصابت می‌کند و نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی را با مشکل مواجه می‌سازد.

هدف اصلی اقتصاد مقاومتی، کاهش وابستگی‌ها، تأکید بر مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی است. اهداف دیگر اقتصاد مقاومتی عبارتند از: اثبات کارآمدی نظام اقتصادی کشور بین نظام‌های اقتصادی دنیا، اقتصاد قوی و پایدار، استقلال سیاسی، اقتدار بین‌المللی و بقای کشور، مرجعیت بین‌المللی، تحقق و اعتلای عزت اسلامی، عدالت اجتماعی، برون رفت از چرخه تبدیل سرمایه‌های نامشهود و مشهود، تبدیل وابستگی‌های تهدیدزا به مبادلات همگون (مقارن) و وابستگی‌های دوسویه مزیت‌آفرین، ایجاد هم‌پیوندی و مزیت‌های مبادلاتی پایدار با کشورهای که زیر نفوذ مستقیم دشمن نیستند، توان‌افزایی محرومان و اقشار ناتوان از طریق کارآمدسازی نظام تأمین اجتماعی و حداکثرسازی مشارکت مراکز خیریه مردمی، افزایش ظرفیت مالیاتی کشور و قطع وابستگی بودجه عمومی دولت به نفت، هم‌تکاملی صنایع راهبردی و اقتصادسازی برنامه‌های توسعه فناوری. (گزارش مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۱: ۱۵۶)

برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید در دو بعد کوتاه‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی کرد. مؤلفه‌های بلندمدت تحقق اقتصاد مقاومتی عبارتند از: استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی خصوصی و دولتی موجود برای مبارزه با شوک‌ها مانند افزایش توان انعطاف‌پذیری اقتصاد در بهره‌گیری از منابع، پرهیز از مصرف بی‌رویه به‌ویژه در بخش‌های دولتی و شبه‌دولتی و به‌جای آن تمرکز بر پس‌انداز بیشتر (کاهش هزینه‌ها)، متنوع‌سازی منابع درآمدی اقتصاد، پیشگیری از وارد شدن شوک به اقتصاد به دو صورت استفاده از سرمایه اجتماعی کشور برای جلوگیری از پیوستن سایر کشورها به جمع تحریم‌کنندگان با استفاده از ضعف‌های کشورهای تحریم‌کننده و جایگزینی سرمایه انسانی با فیزیکی، گسترش نظام ارتباطی کشور (اعم از زیرساخت‌های حمل و نقل، خطوط تلفن و اینترنت) به‌منظور کاهش هزینه تجارت

برای بخش خصوصی، پرهیز از وابستگی به چند کشور معدود در حوزه تجارت و متنوع‌سازی در شرکای تجاری کشور. مؤلفه‌های کوتاه‌مدت تحقق اقتصاد مقاومتی نیز عبارتند از: استفاده از ظرفیت‌های هم‌بستگی مردم، واپایش (کنترل) مصرف و تلاش در راستای تغییر الگوی مصرف به الگوی مصرف بهینه، استفاده از تولید داخلی، اجرای سیاست‌های مردمی کردن اقتصاد در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، تأمین نیازهای اساسی دولت و تبیین چارچوب‌های ضروری مطالعاتی برای ارائه راهبردهای عملیاتی اقتصاد مقاومتی. (تاری و کاویانی، ۱۳۹۲)

۳. یافته‌های تحقیق

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم افزار spss توزیع نسبی پاسخ‌ها به دست آمده و امتیاز هر متغیر محاسبه شد. سپس با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، عوامل مؤثر بر قاچاق که مانع تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شوند، شناسایی شدند. در نهایت با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و از طریق نرم‌افزار Expert Choice به رتبه‌بندی این عوامل پرداخته شد. ابتدا به منظور کسب بینش مقدماتی در مورد متغیرهای تحقیق، فراوانی و میزان امتیاز عوامل مؤثر بر قاچاق کالا که مانع تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شوند، محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهد که پنج عامل «تعرفه بالای گمرکی واردات»، «بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی»، «خطرپذیری پایین قاچاق»، «واپایش نامناسب مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی» و «یارانه» به ترتیب بیشترین امتیاز را کسب کرده‌اند و «مهاجرت افسار گسیخته»، «نفوذ به کشور برای امور جاسوسی»، «نقش مسئولان دولتی»، «وضعیت سیاسی و امنیتی کشور» و «تحریم‌های اقتصادی ج.ا.ایران» به ترتیب کمترین امتیاز را کسب کرده‌اند. مجموع امتیاز هر یک از عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در جدول شماره یک مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۱) مجموع امتیاز هر یک از عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا

ردیف	عوامل مؤثر بر بروز قاچاق کالا	خیلی زیاد	زیاد	کاندازدای	ح	بسیار کم	مجموع
۱	تعرفه بالای گمرکی واردات	40	6	4	0	0	236
۲	تغییرات مابه‌التفاوت ارز	10	6	5	10	19	128
۳	مالیات	16	15	11	7	1	188
۴	میزان تورم	8	6	6	8	22	120
۵	عدم کارایی اقتصاد ملی	5	5	3	7	30	98
۶	کمبود زیرساخت‌های اقتصادی کشور	13	11	9	12	5	165
۷	یارانه	17	23	7	2	1	203
۸	اختلاف قیمت در دو سوی مرز	13	9	10	12	6	161
۹	بیکاری و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی	30	15	4	1	0	224
۱۰	عدم امنیت سرمایه‌گذاری	7	6	3	15	19	117
۱۱	کیفیت نامناسب کالای داخلی	7	7	7	10	19	123
۱۲	نامناسب بودن حقوق و مزایای کارکنان گمرک	6	7	2	10	25	109
۱۳	نبود امنیت شغلی	10	7	7	10	16	135
۱۴	خطرپذیری پایین قاچاق	22	17	9	2	0	209
۱۵	تحریم‌های اقتصادی ایران	0	1	0	2	47	55
۱۶	رشد نقدینگی در کشور	8	5	3	12	22	115
۱۷	وضعیت سیاسی و امنیتی کشور	1	1	1	1	46	60
۱۸	نفوذ به کشور جهت امور جاسوسی	0	0	2	10	38	64
۱۹	واپایش (کنترل) ناکافی مرزها	11	10	6	13	10	149
۲۰	محدودیت‌های تجاری و مقررات دولتی	12	7	5	9	17	138
۲۱	نقش اسکله‌های غیرمجاز	3	7	2	1	37	88
۲۲	واپایش نامناسب مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی	20	21	7	1	1	208
۲۳	نقش مسئولان دولتی	3	0	0	2	45	64
۲۴	وضعیت خاص همسایگان (چنگ، بحران و ...)	5	5	5	2	33	97
۲۵	سست بودن قوانین مبارزه با قاچاق	7	7	2	9	25	112
۲۶	فرهنگ‌پذیری غلط مرز نشینان	2	2	2	4	40	72
۲۷	مراودات ناشی از پیوندهای گروهی و قومی در دو سوی مرز	4	6	4	4	32	96
۲۸	سطح پایین آگاهی جامعه	9	5	6	12	18	125
۲۹	نظام تأمین اجتماعی نامناسب	3	7	2	1	37	88
۳۰	مهاجرت افسارگسیخته	2	2	1	2	43	68

پس از بررسی توصیفی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا، برای تشکیل ساختار جدید و اینکه آیا تعداد متغیرهای اثرگذار بر قاچاق کالا کاهش یافته، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

به این منظور ابتدا برای بررسی کفایت نمونه‌گیری از آزمون KMO و برای اطمینان از اینکه ماتریس همبستگی (که پایه تحلیل عاملی قرار می‌گیرد)، در جامعه برابر صفر نیست، از آزمون بارتلت استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره دو مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۲) نتایج آزمون KMO و بارتلت

آزمون KMO مقیاس کفایت نمونه		
۰/۷۵۹		
۸۰۲/۲۴	مجذور خی دو	آزمون بارتلت
۲۹۸	درجه آزادی	
۰/۰۰۰	سطح معناداری	

جدول شماره دو نشان می‌دهد که نمونه‌گیری از کفایت لازم برخوردار است؛ زیرا مقدار آماره آزمون KMO از ۰/۷ بالاتر و سطح معناداری آزمون بارتلت از ۰/۰۵ کمتر است. طبق قاعده «کیزر - گاتمن» یا قاعده مقدار ویژه، تعداد عامل‌های مناسب، عامل‌هایی هستند که مقدار ویژه آنها بالاتر از یک باشد. (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۳۳۸) نتایج جدول شماره سه نشان می‌دهد که سه عامل، دارای مقدار ویژه بیشتر از یک هستند. افزون بر این، سه عامل توانسته‌اند حدود ۵۶/۱ درصد واریانس این متغیر را پیش‌بینی کنند که مقدار قابل قبولی است. عامل‌ها با استفاده از روش حداکثر درست‌نمایی (ML)^۱ استخراج شده است. از مزیت‌های کلیدی روش بالا آن است که امکان این ارزشیابی را برای ما فراهم می‌سازد تا بتوانیم تعیین کنیم راه‌حل عاملی تا چه اندازه قادر است به‌خوبی روابط بین متغیرها را در پرونده (فایل) داده بازتولید کند. این ویژگی، نقش مهمی در تعیین تعداد مناسب عامل‌ها دارد. (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

1. Maximum likelihood

جدول شماره (۳) عوامل استخراج شده بر مبنای مقدار ویژه

گویه‌ها	مقادیر ویژه اولیه		
	کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
1	7.79	31.31	31.31
2	3.23	18.72	50.03
3	2.65	6.16	56.19
4	0.73	4.04	60.24
5	0.67	3.99	64.22
6	0.65	3.91	68.13
7	0.63	3.9	72.03
8	0.48	3.8	75.83
9	0.44	2.99	78.82
10	0.31	2.91	81.73
11	0.29	2.9	84.63
12	1.17	1.96	86.59
13	1.09	1.91	88.5
14	0.98	1.9	90.4
15	0.88	1	91.4
16	0.81	0.91	92.31
17	0.77	0.9	93.21
18	0.75	0.9	94.12
19	0.69	0.9	95.02
20	0.62	0.9	95.92
21	0.55	0.71	96.63
22	0.53	0.63	97.26
23	0.51	0.62	97.88
24	0.47	0.58	98.46
25	0.44	0.49	98.95
26	0.41	0.34	99.29
27	0.4	0.3	99.58
28	0.38	0.25	99.83

پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش بیشینه احتمال و چرخش واریماکس ۱۷ عامل به دلیل کسب بارهای عاملی کمتر از ۰/۵ یا اینکه نتوانستند بر روی هیچ کدام از عوامل قرار گیرند، از مجموعه متغیرهای مورد بررسی حذف شده و ۱۲ شاخص در قالب سه عامل باقی ماندند که نتایج آن در جدول شماره چهار مشاهده می شود. این ۱۲ عامل بارهای عاملی بالای ۰/۵ داشته یا روی عامل دیگر بار عاملی بالایی نداشتند.

جدول شماره (۴) ماتریس عوامل چرخ یافته

گوبه	عامل		
	۱	۲	۳
q1		۰/۵۲۷	
q3		۰/۶۱۳	
q4		۰/۵۸۴	
q7		۰/۶۲۳	
q9		۰/۷۱۹	
q11		۰/۵۹۶	
q14			۰/۶۷۹
q22			۰/۶۶۴
q24			۰/۵۴۱
q25			۰/۵۶۷
q27	۶۰/۵		
q28	۰/۶۰۱		

طبق نتایج جدول شماره چهار، عوامل استخراج شده به همراه سؤالهای مرتبط در جدول شماره پنج دسته بندی شده اند.

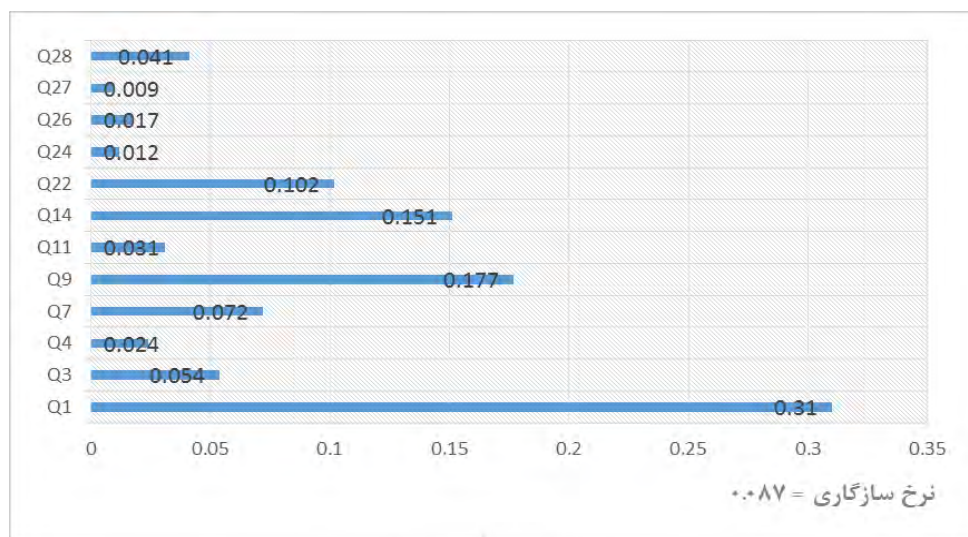
جدول شماره (۵) عوامل مؤثر بر قاچاق کالا

عامل	سؤال‌ها	نام عامل‌ها
۱	۱؛ ۳؛ ۴؛ ۷؛ ۹؛ ۱۱	عوامل اقتصادی
۲	۲۲؛ ۲۴؛ ۲۵؛ ۱۴	عوامل سیاسی - امنیتی
۳	۲۷؛ ۲۸	عوامل اجتماعی - فرهنگی

در ادامه با استفاده از مقایسه‌های زوجی، هر عامل که بر عدم تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تأثیر بیشتری داشت، دو به دو مقایسه گردیدند و سپس با استفاده از اوزان به‌دست آمده از پرسشنامه AHP برای ابعاد و مؤلفه‌های مختلف، عوامل مؤثر بر قاچاق کالا را که باعث عدم دستیابی به اقتصاد مقاومتی می‌شود، رتبه‌بندی شدند که در جدول شماره شش مشاهده می‌شوند.

جدول شماره (۶) اوزان به‌دست آمده از پرسشنامه AHP برای عوامل مؤثر بر قاچاق کالا

رتبه	وزن مؤلفه در کل	مؤلفه‌ها	عوامل مؤثر بر قاچاق کالا
۱	۰,۳۱۰	تعرفه بالای گمرکی واردات	اقتصادی
۲	۰,۱۷۷	بیکاری و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی	
۵	۰,۰۷۲	یارانه	
۶	۰,۰۵۴	مالیات	
۸	۰,۰۳۱	کیفیت نامناسب کالای داخلی	
۹	۰,۰۲۴	تورم	
۳	۰,۱۵۱	خطرپذیری پایین قاچاق	سیاسی - امنیتی
۴	۰,۱۰۲	واپایش نامناسب مناطق آزاد و بازارچه‌های مرزی	
۱۰	۰,۰۱۷	مسئولان دولتی	
۱۱	۰,۰۱۲	وضعیت خاص همسایگان (جنگ، بحران و...)	اجتماعی - فرهنگی
۷	۰,۰۴۱	سطح پایین آگاهی جامعه	
۱۲	۰,۰۰۹	مراودات ناشی از پیوندهای گروهی و قومی در دو سوی مرز	



نمودار شماره (۱) اوزان به دست آمده از پرسشنامه AHP برای عوامل مؤثر بر قاچاق کالا

نرخ سازگاری ماتریس مقایسه زوجی عوامل در حد قابل قبول یعنی کمتر از ۰/۱ است و در صورتی که نرخ سازگاری بیش از این مقدار باشد، لازم است که در قضاوت‌ها تجدیدنظر صورت گیرد. جدول شماره شش و نمودار شماره یک نشان می‌دهند که بنا بر نظر خبرگان، تعرفه بالای گمرکی واردات، مهم‌ترین عامل اثرگذار بر قاچاق کالا است و در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر چشمگیری دارد. بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و خطرپذیری پایین قاچاق از عوامل بعدی هستند؛ همچنین مراودات ناشی از پیوندهای گروهی و قومی در دو سوی مرز، کمترین رتبه را به دست آورده است.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر پدیده قاچاق کالا که در تحقق اقتصاد مقاومتی خلل ایجاد می‌کنند، هدف انجام پژوهش حاضر قلمداد می‌شود. برای تحقق هدف پژوهش، از طریق بررسی مبانی نظری و مطالعات پیشین، ۳۰ عامل اثرگذار بر پدیده قاچاق کالا که مانع از تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی نیز می‌شوند، شناسایی شدند. برای دسته‌بندی این ۳۰

عامل در دسته‌های مختلف، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که ۱۸ عامل بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند و یا روی چند دسته بار عاملی بالایی کسب کرده بودند که از تحلیل حذف شدند و ۱۲ عامل در سه دسته سیاسی - امنیتی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جای گرفتند. حال پس از شناسایی ۱۲ عامل مهم که بر قاچاق کالا مؤثر بودند، با مقایسه زوجی بین این عوامل، ۶۷ مقایسه زوجی صورت گرفت تا مشخص شود که کدام عامل در عدم تحقق اقتصاد مقاومتی تأثیر بیشتری دارند. نتایج نشان داد که تعرفه بالای گمرکی واردات، بیکاری و توسعه نیافتگی مناطق مرزی، خطرپذیری پایین قاچاق کالا، واپایش نامناسب مناطق آزاد و یارانه، پنج عاملی هستند که به ترتیب، رتبه اول تا پنجم را کسب کرده‌اند. با توجه به یافته‌های پژوهش، مواردی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. بسیاری از مناطق مرزی کشور، فاقد زیرساخت‌های اقتصادی مناسب و امکانات فنی، صنعتی و کشاورزی کافی هستند و بین شاخص‌های توسعه در این مناطق با مرکز کشور، اختلاف‌های فاحشی وجود دارد. برای اصلاح این وضع، دولت می‌تواند بخشی از اعتباراتی که صرف مبارزه فیزیکی و غیراصولی با قاچاق کالا می‌شود، با سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، ضمن ایجاد اشتغال، در جهت شکوفایی، عمران و آبادانی این مناطق اقدام نموده و مانع گسترش بیش از پیش قاچاق کالا شود. به عبارت دیگر، تغییر راهکنش (تاکتیک) از مبارزه فیزیکی به توسعه‌مداری در این مناطق.
۲. یکی دیگر از نتایج مهم تحقیق این است که قاچاق با انگیزه فرار از محدودیت‌های تعرفه‌ای موجود در نظام تجاری کشور انجام می‌پذیرد که این امر درآمدهای دولت را کاهش می‌دهد. کاهش درآمدهای دولت با تحمیل آثار منفی بر نظام تخصیص منابع، از یکسو کمیت و کیفیت عرضه کالاها و خدمات عمومی را در جامعه کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، انجام سرمایه‌گذاری‌های مولد از سوی دولت را محدود می‌سازد و تهدید اقتصادی کشور را فراهم می‌کند؛ بنابراین دولت باید در میزان و شیوه تعرفه‌ها بازبینی مجدد کند تا از یک طرف مانع از قاچاق عمده کالا به کشور شود و از طرف دیگر، درآمدهای اقتصادی دولت به شیوه مناسب‌تری تأمین شود.

۳. هزینه‌های قاچاق کالا در کشور نسبتاً پایین است؛ به ویژه پس از سال ۱۳۸۴ خطرپذیری قاچاق کالا در کشور کاهش یافته است. بالا بردن هزینه قاچاق از دیگر راهکارهای اساسی در جهت کاهش قاچاق کالا در ج.ا.ایران محسوب می‌شود؛ بنابراین دولت با ایجاد سازوکارهای گوناگون و اعمال تعزیری و قضایی سنگین برای مجرمان می‌تواند به کاهش این پدیده کمک کند. تشدید مقررات و نظارت صحیح و دقیق بر شبکه‌های حمل و نقل و نقاط قاچاق خیز کشور از جمله این اقدام‌هاست که با نظام‌مندی دقیق می‌تواند شبکه‌های سنتی حمل و نقل قاچاق را به مسیرهای درآمدزا، امن و مناسب تبدیل سازد.
۴. بازیابی در نظام یارانه‌ای کشور، از دیگر اقدام‌های لازم جهت کاهش میزان قاچاق خواهد بود. این امر با اجرای طرح تحول اقتصادی محقق می‌شود.
۵. «مناطق آزاد» امروزه مدخلی برای ورود کالاهای غیرقانونی و قاچاق به داخل کشور هستند. متأسفانه در این مناطق سازوکار مشخصی جهت ورود یا خروج کالا و مسافر وجود ندارد؛ بنابراین با ایجاد یک سامانه و سازوکار واحد در این مناطق، باید به طریقه ورود و خروج کالا اشراف داشت؛ زیرا این مناطق فقط مدخل ورودی برای کالاهای خارجی به کشور بوده و در امر صادرات سهم ناچیزی دارند.
۶. در زمینه بازارچه‌های مرزی، دولت بایستی با اقدام مناسب، ضمن تسهیلات جدید برای مردم بومی این مناطق، در جهت واپایش و بازپس‌گیری این بازارچه‌ها از سرمایه‌داران و سودجویان اقدام کند.

منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

- (۱) احراری، جلال، (۱۳۸۴)، *عوامل مؤثر در کنترل قاچاق کالا توسط ناجا (در دهه ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴)*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم انتظامی.
- (۲) تاری، فتح‌ا... و زهرا کاویانی، (۱۳۹۲)، *اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن، فصلنامه سیاست کلان*، سال دوم، شماره دوم.
- (۳) پژویان، جمشید و مجید مداح، (۱۳۸۵)، *بررسی اقتصادی قاچاق در ایران، پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۱۶.
- (۴) حبیب‌پور، کرم و رضا صفری، (۱۳۸۸)، *راهنمای جامع spss در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*، تهران، انتشارات متفکران.
- (۵) خاشی، عبدالمجید، (۱۳۸۶)، *بررسی شیوه‌های قاچاق کالا از مبادی رسمی استان سیستان و بلوچستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کشف جرایم، دانشگاه علوم انتظامی.
- (۶) خلعتبری، فیروزه، (۱۳۶۹)، *اقتصاد زیرزمینی، مجله رونق*، شماره ۱.
- (۷) ستاد مبارزه با قاچاق کالای گمرک، (۱۳۹۵)، *مطالعه و بررسی ابعاد استراتژیکی محیطی پدیده قاچاق کالا و ارز در استان‌های بوشهر و هرمزگان*، تهران، مؤسسه تحقیقات راهبرد مدیریت.
- (۸) شادنیا، هوشنگ، (۱۳۸۴)، *بررسی قاچاق کالا: علل موجود و افزایش آن، ماهنامه نگهبان*، تهران، معاونت تبلیغات و روابط عمومی ناجا، شماره ۸۹ و ۹۰.
- (۹) قاسمیان، عاطفه، (۱۳۹۲)، *مقایسه وضعیت تعرفه‌ای کشورهای منتخب*، معاونت بررسی‌های اقتصادی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران.
- (۱۰) عیسی‌آبادی، ابوالفضل و صفی‌الله شاه‌قلعه، (تابستان ۱۳۹۲)، *تحقیقات جغرافیایی*، سال ۲۸، شماره ۲.
- (۱۱) معظمی‌گودرزی، ایرج، (۱۳۸۶)، *نقش فناوری اطلاعات در کشف کالای قاچاق با رویکرد پلیسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کشف جرایم، دانشگاه علوم انتظامی.
- (۱۲) نصراللهی، بهروز، (۱۳۸۹)، *بررسی محدودیت‌های انتظامی کشف کالای قاچاق مورد مطالعه شهرستان مرزی پیرانشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی.
- (۱۳) وطن‌پور، علیرضا، (۱۳۸۸)، *قاچاق کالا و امنیت ملی*، تهران، نشر کارآگاه.

ب. منابع لاتین

- (1) Ahn, N & DeRica, S.L, (1997), The underground economy in Spain: an alternative to unemployment, *Applied economics*, 29(6).
- (2) Bhagwati, J, (1994), Free trade: old & new challenges, *The Economic Journal*.
- (3) Bhagwati, J & Hansen, B, (1973), A theoretical analysis of smuggling, *The Quarterly Journal of Economics*.
- (4) Draeseke, R & Giles, D.E, (1999 July), A Fuzzy Logic Approach to Modelling the Underground Economy, In *Proceedings of the International Conference on Modelling and Simulation, (MODISM 99)* Vol. 2.
- (5) Schneider, F, (2000), The increase of the size of the shadow economy of 18 OECD countries: some preliminary explanations.
- (6) Schneider, F & Enste, D, (2000), Shadow Economies around the World Size, Causes and Consequences.
- (7) OMC, W & ITC, U, (2013), World Tariff Profiles.

